

مشکلات عاطفی و اجتماعی زنان در آثار داستانی راضیه تجار

لیلا عاشقی قلعه^۱، ناصر علیزاده‌خیاط^۲، آرش مشفقی^۳

چکیده

ادبیات محملی برای بازتاب نگرش‌ها، گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که بنابر ضرورت روزگار و تحولات گسترده اجتماعی-سیاسی به وجود آمده است. آثار ادبی یکی از مهم‌ترین ابزارهای درک مسائل و مشکلات زنان در جامعه است به‌خصوص مطالعه آثار نویسندگان زن می‌تواند به روشن شدن زوایای متعددی در زمینه اجتماعی و عاطفی زنان بینجامد. بیشتر شخصیت‌های اصلی داستان‌های نویسندگان زن، زنان هستند. در این داستان‌ها مسائل عاطفی و اجتماعی زندگی زنان مطرح و از آسیب‌های جبران‌ناپذیری که به زنان وارد می‌شود سخن به میان می‌آید. لذا شناخت این مسائل از پیش‌شرط‌های اساسی در حل و فصل مشکلات و دغدغه‌های زنان است. این پژوهش به بررسی مشکلات عاطفی و اجتماعی زنان در آثار داستانی "راضیه تجار" با دیدی فمینیستی پرداخته است. راضیه تجار بیشتر زنانی را به تصویر می‌کشد که در بند و تسلیم، وابسته به مردان، محصور در خانه و ناامید و ناراحت هستند به‌طوری‌که زن در آثار او موجودی تنها، مضطرب و سرگردان است.

کلیدواژه‌ها: مشکلات عاطفی، مشکلات اجتماعی، زنان، راضیه تجار

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب ایران. Leila.ashghi@yahoo.com
۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. (نویسنده مسئول) Nasser.alizadeh@gmail.com
۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. Moshfeghi.arash@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۳۱ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱/۲۹

مقدمه

ادبیات داستانی در نگرش کارکردگرایانه به بازآفرینی حقایق جامعه می‌پردازد و آنچه در پیرامون زندگی فردی و جمعی انسان وجود دارد را به تصویر می‌کشد. نویسندگان در قالب داستان می‌توانند بینش خود از جهان پیرامون و آنچه را که در ذهنشان به‌عنوان یک ایده و مضمون مطرح است به خواننده منتقل کنند. با بررسی و تحلیل درون‌مایه داستان‌ها می‌توان به ایده و اندیشه نویسندگان پی برد و دل‌مشغولی و دغدغه آن‌ها را دریافت.

«داستان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین انواع ادبی قلمداد می‌شود که تحقیق و تفحص در ساختار و محتوای آن اهمیت فراوانی دارد. با بررسی و تحلیل داستان مخاطب می‌تواند پیام‌های درون‌متنی آن را دریافت کند و نگرش خود به زندگی و مسائل مختلف را تغییر دهد.» (اکرمی و پاشایی، ۱۳۹۲: ۲) از انواع داستان می‌توان رمان یا داستان بلند را نام برد. «رمان‌ها بهترین ظرف بازخوانی و بازنگری جریان‌های فکری حاکم بر جامعه به شمار می‌آیند که به دلیل پیوند ناگسستنی با جامعه و تأثیر و تأثر آشکار خویش همواره رسالت انعکاس باورها، عقاید، آمال و دردها و رنج‌های طبقات مختلف اجتماع را بر عهده دارند.» (قاسم‌زاده و کریمی افشار، ۱۳۹۲: ۹۸) در جامعه معاصر ایران موضوع زنان و بیان مشکلات آنان بیش از سایر عرصه‌ها، در ادبیات، به‌ویژه در رمان انعکاس یافته است. «نقد زن‌مدارانه، برخلاف نقدهای دیگر که متن‌گرا یا خواننده‌مدار هستند و در اکثر آن‌ها صدای مرد طنین‌انداز است، مؤلف‌گراست و در پی این است که صدای زن را درباره مسائل و مشکلات زنان به گوش دیگران برسانند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۸۷)

بدون شک از مهم‌ترین عرصه‌های تحولات ادبیات معاصر ایران، افزایش تعداد نویسندگان زن است. مطالعه متون نویسندگان زن ایرانی می‌تواند به روشن شدن زوایای متعددی از زمینه اجتماعی آن‌ها بینجامد. همه مطالعات تاریخی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ثابت کرده است که زن‌های نویسنده بیشتر از مردهای نویسنده، جهان پیرامون خویش را در اثر خود دخالت می‌دهند. «تعامل و هم‌زیستی زنان نویسنده با اعضا و اجزای محیطی که در آن زندگی می‌کنند به اثری که آن را خلق می‌کنند، انتقال می‌یابد.» (زرلکی، ۱۳۸۴: ۱۵)

«در طول تاریخ، زن ایرانی به دلیل موقعیت خانوادگی و اجتماعی اش زندگی اندوه‌باری داشته و حقارت‌های بسیاری دیده است. نویسنده‌ای که می‌خواهد سرنوشت هم‌دردان خود را توصیف کند، چگونه می‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد و در آثارش فضایی روشن و شادی‌بخش ارائه کند؟» (عباس‌زاده و طاهرلو، ۱۳۹۰، ۳۴)؛ بنابراین زنان متأثر از شرایط محیطی هنگامی که می‌نویسند در فرآیندی گاه ناخودآگاه و گاه حتی کاملاً آگاهانه، ابعاد مختلف زندگی روزمره خویش را در توصیف‌ها و روایات داستانی منعکس می‌کنند. یکی از ویژگی‌های گونه ادبی زنان هم‌ذات‌پنداری غریزی نویسنده با شخصیت یا قهرمانی است که خلق می‌کند. نویسنده ادبیات را آینه‌ای می‌داند که می‌تواند خود و زوایای تاریک و روشن زندگی عاطفی و اجتماعی خود را در آن باز ببیند.

مسئله و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. در بخش توصیفی اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، جمع‌آوری و مسائل عاطفی و اجتماعی که زنان را درگیر خود می‌کند از ورای داستان‌ها استخراج شد و پس از دسته‌بندی به صورت کیفی در یک نظم منطقی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و سپس با استفاده از مثال‌های عینی و گفت‌وگوهای به‌کاررفته در داستان‌ها به تحلیل و تفسیر مسائل و مشکلات عاطفی و اجتماعی شخصیت‌های زن در آثار داستانی راضیه تجار اشاره شده است. در این تحقیق سعی شده است به این سؤالات پاسخ مناسب داده شود:

- زنان در آثار راضیه تجار دارای چه مسائل و مشکلاتی هستند؟
- نحوه برخورد زنان با مسائل و مشکلات پیرامون خود چگونه است؟
- زنان در داستان‌های راضیه تجار شخصیت‌ایستایی دارند یا پویا؟
- زنان در داستان‌های تجار شخصیت فعال دارند یا منفعل؟

پیشینه تحقیق

در چند سال اخیر حضور زنان داستان‌نویس بسیار چشمگیر شده است و دنیای رمان و گسترده‌تری فضای آن، این فرصت را به زنان نویسنده داده تا به

مشکلات و معضلات اجتماع از دریچه و نگاه زنانه بنگرند. در مورد آثار زنان به‌ویژه *راضیه تجار* مقالات و تحقیقاتی نوشته شده است که تعدادی از آن‌ها به شرح زیر است:

- عرب یوسف‌آبادی و کلبعلی (۱۳۹۶) به بررسی سبک زنانه با مؤلفه‌های مختلفی از جمله زبان زنانه، عواطف زنانه و مسائل فرهنگی مربوط به زنان در رمان "کوچه اقاچیا" نوشته *راضیه تجار* پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد زنان از تکرار واژه‌ها برای انتقال و تأکید حس عاطفی بهره می‌برند. به‌طوری‌که به‌کارگیری رنگ‌ها و جزئیات آن صبغه‌ای زنانه به این داستان داده است. زنان بنا به دلایلی همچون فقر علمی و فرهنگی اغلب به خرافات عامیانه روی می‌آورند و حقوق اجتماعی زنان آن دوره با مردان هم‌سطح نیست.

جمالی و سجادی (۱۳۹۴) با بررسی جایگاه زن در آثار سه نویسنده زن از جمله *راضیه تجار* به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در آثار این نویسندگان جایگاه سنتی دارند؛ اغلب تحت کنترل و تسلط جامعه مردان و فرهنگ و رسوم و سنت‌ها قرار دارند و کمتر از خود اختیار و اراده‌ای می‌توانند داشته باشند.

ولی‌مراد (۱۳۸۳) ضمن پرداختن به ویژگی‌های داستان "کوچه اقاچیا" و بیان قدرت نویسندگی *تجار* در تصویرسازی به این نتیجه رسیده که *تجار* در "کوچه اقاچیا" فضایی را خلق کرده است تا خواننده خود گذشته را ببیند، خوبی‌هایش را پاس بدارد بدی‌هایش را به آب دهد.

حری (۱۳۷۷) به نقد و تحلیل داستان‌های *راضیه تجار* پرداخته و ضمن مشخص کردن نمادها در آثار *تجار* از لحاظ عناصر داستانی نیز آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که *راضیه تجار* توانسته چهره زن را به زبانی شیوا، نو، داستانی و منحصر به فرد به تصویر بکشد.

- درویش‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی به نقد و بررسی کنیز و اثر *منیرو روانی‌پور* پرداخته است. بررسی این مجموعه نشان داد که *منیرو روانی‌پور* در خلق اثر خود به مسائل اجتماعی روزمره مردم جامعه بخصوص زنان پرداخته است به‌طوری‌که نویسنده معتقد است که زنان در جایگاه خوبی قرار ندارند و

نه تنها از طرف مردان که حتی از طرف زنان هم‌نوع و هم‌تراز خود نیز دچار مشکلات هستند.

- محمودی و حیدری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل جایگاه زن در رمان‌های غزاله علیزاده" به نقد فمینیستی آثار داستانی غزاله علیزاده پرداخته و شخصیت‌پردازی زنان را مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به درستی ادعا نمود که تاکنون هیچ‌یک از محققان در رابطه با موضوع این مقاله پژوهش مستقیمی انجام نداده‌اند، لذا این مقاله می‌کوشد با توجه به جایگاه زن در جامعه به مسائل عاطفی و اجتماعی زن در آثار راضیه تجار پردازد و مسائل و مشکلات مطرح‌شده زنان را از دیدگاه این نویسنده تشریح و تحلیل نماید.

الف) آثار داستانی راضیه تجار

تحقیق و پژوهش در مورد ادبیات زنان و سبک‌شناسی آثار آنان برای دستیابی به دنیای درونی زنان و درک مشکلات و دردهایشان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بخش اعظمی از ادبیات زنان به لحاظ ویژگی‌های زبانی، سبک بیان و نگارش، شیوه‌های پیوند میان عناصر کلامی و چگونگی بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی؛ مثل استعاره، تشبیه و صور خیال با ادبیات مردان متفاوت است (یوسف‌آبادی و کلبعلی، ۱۳۹۷: ۶۲) «مطالعه متون نویسندگان زن ایرانی می‌تواند به روشن شدن زوایای متعددی از زمینه اجتماعی آن‌ها بینجامد.» (جمالی و سجادی، ۱۳۹۴: ۳۳) این مقاله می‌کوشد مسائل و مشکلات عاطفی و اجتماعی زنان را از دیدگاه راضیه تجار براساس آثار داستانی او تشریح و تحلیل نماید. راضیه تجار یکی از زنان فعال در عرصه داستان‌نویسی است. او «در بیشتر موارد تأثرات حسی و عاطفی را در بیانی تغزلی و زنانه نوشته است.» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۲۴)

بیشتر شخصیت‌های داستان‌های تجار را زنان تشکیل می‌دهند. زنان آثار تجار محصور در خانه هستند و اکثر داستان‌ها در فضای درونی و در منزل اتفاق می‌افتد. کار خانگی مشخصه اصلی آن‌ها است. تنها در داستان‌های "بیست و چهار ساعت" و "ریزش زردها-رویش سبزه‌ها" زنان داستان در بیرون از خانه کار می‌کنند اما مانند بقیه داستان‌ها مسئله اصلی هر دو داستان، تنهایی و ناخوشنودی

است. آن‌ها برای فرار از اوضاع موجود به رؤیابافی و خیال‌پردازی پناه می‌برند. البته در بعضی از داستان‌های تجار از جمله "تصویرهای شکسته"، زن هیچ نقشی ندارد یا مثل داستان "ستاره تا ستارگان" اصلاً زن حضوری ندارد. اکثر شخصیت‌های زن افرادی ناراحت، ناراضی، افسرده و مضطرب هستند، موجودات ضعیفی که هیچ توان و اراده‌ای برای تغییر وضع موجود ندارند. چنانچه ولی‌مراد (۱۳۸۳) در خصوص داستان‌های تجار می‌گوید: «بیشتر شخصیت‌های اصلی داستان‌های او زنانند؛ و نشان می‌دهند که نویسنده از دردهای زنان آگاه است؛ زنانی که گرفتار مشکلات خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی هستند؛ فشارهایی که جامعه بر آن‌ها تحمیل می‌کند. زنان داستان‌های او برای بیرون آمدن از شرایط خود تلاش خاصی نمی‌کنند. زنانی که نه راه بیرون آمدن را می‌دانند و نه توان قدم گذاشتن به این راه را دارند.» (ولی‌مراد، ۱۳۸۳: ۶۹)

ب) فمینیسم و آثار راضیه تجار

فمینیسم (feminism)، در اصل واژه‌ای فرانسوی است که از ریشه لاتین (femina) به معنای زن (woman) اخذ شده است. اندرو وینسنت معتقد است چهار دیدگاه مهم در باب خاستگاه اندیشه فمینیستی وجود دارد که از بین آن‌ها دیدگاهی که تاریخ فمینیسم را به اواخر قرن پانزدهم میلادی نسبت می‌دهد، احتمالاً جزو صحیح‌ترین نظرها باشد (رضوانی، ۱۳۸۴: ۲). این جنبش در تاریخچه خود غالباً جنبشی سیاسی-اجتماعی برای دفاع از حقوق زنان و برابری آن‌ها با مردان در عرصه‌های خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است و در اصل به معنای زن باوری و زن محوری است. این جریان «چشم‌اندازی است که در پی رفع کردن فرودستی، ستم، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که زنان از آن‌ها رنج می‌برند.» (بیسلی، ۱۳۸۵: ۲۰). فمینیسم «جنبشی است که از فرصت‌های برابر برای مردان و زنان پشتیبانی می‌کند.» (همان: ۵۵) و اصولاً برای این هدف شکل گرفت که به زنان آگاهی ببخشد تا بتوانند خود را به‌طور کامل بشناسند. فمینیسم باور داشتن به حقوق زنان و برابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زن و مرد است و در قرن بیستم یکی از پرشورترین تئوری‌هایی بود که همواره عرصه چالش‌های بسیاری گردیده است. «این دوره، دوره ترقی خواه نام گرفته است. طی دوره یاد شده، زنان

از حق رأی برخوردار شدند و در مسائل اجتماعی روز، از جمله بهداشت، آموزش، سیاست و ادبیات آشکارا به فعالیت پرداختند.» (برسler، ۱۳۸۹: ۲۰۰) بیش از صد و پنجاه سال است که جنبش‌های فمینیستی جهان و زنان متفکر اندیشمند، برای تأیید و تثبیت معنای زن به‌عنوان موجودی مستقل و آزاد و کسب حقوق زن مبارزه می‌کنند.

در ادبیات نیز توجه به زنان به‌عنوان موجوداتی مستقل و جدا از مردان و توجه به حقوق پایمال‌شده آنان سبب شکل‌گیری ادبیاتی خاص زنان شد که همواره در پی تلاش برای نمایاندن حقوق ازدست‌رفته خود هستند و سعی می‌کنند به مشکلات و دغدغه‌های زنان اعم از مشکلات عاطفی، روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند؛ بنابراین آشنایی با ایده نویسندگان زن و پی بردن به دل‌مشغولی اصلی زنان نویسنده ما را به‌سوی مسائل مهم زنان رهنمون می‌سازد. زنان آثار *راضیه تجار* اسیر فرهنگ مردسالاری بوده و فرودست بودن آنان از مهم‌ترین مؤلفه‌های زن‌ستیزانه محسوب می‌شود. این زنان تحت فشار و تحکم و زورگویی مردان هستند. مردان برای آنان تصمیم می‌گیرند زنان داستان‌های او ارزش چندانی برای مردان ندارند و مهم تلقی نمی‌شوند، به کار کردن در خانه مشغول هستند و فعالیت اجتماعی چندانی ندارند.

پ) بازتاب مشکلات عاطفی در آثار *راضیه تجار*

از جمله موضوعاتی که در آثار نویسندگان زن مشاهده می‌شود، مسائل عاطفی است. بیشتر شخصیت‌های داستان‌های این نویسندگان را زنان تشکیل می‌دهند و عواطف زنانه و مادرانه در داستان‌های این نویسندگان با بسامد قابل توجهی نمود پیدا کرده است. «مسائل روانی و عاطفی، زندگی زنان را به‌طور گسترده تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از این مسائل چون احساس تنهایی، موجب ایجاد اختلال‌های روحی از قبیل افسردگی و آشفتگی‌های روانی می‌شود. اهمیت مسائل روحی و روانی، لزوم رسیدگی به آن‌ها را برجسته‌تر می‌سازد زیرا زنان زمانی می‌توانند افرادی سالم پرورش و به جامعه تحویل دهند که از سلامت روحی و جسمی مناسبی برخوردار باشند.» (عظیمی و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۱۲۶) از جمله مشکلات عاطفی که *تجار* در داستان‌های خود به آن‌ها اشاره کرده است می‌توان

به‌تنهایی و روزمرگی، سکوت و سازگاری، شکست عشقی، درماندگی و قبول سرنوشت، جنون و افسردگی، حسادت و نازایی و دخترزایی اشاره کرد که در زیر در مورد آن‌ها توضیح داده‌شده است.

پ.۱) تنهایی و روزمرگی

در داستان‌های بسیاری از نویسندگان زن، تنهایی و پناه بردن به عالم درون و یا عنصری از عالم بیرون برجسته است و در بیشتر این داستان‌ها همسران این زنان، مردانی بیگانه با عالم زنان هستند و حتی تلاشی هم در جهت شناخت حساسیت‌ها، علایق و سلیقه‌های زنان نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که این مردان افرادی بسیار پایمند به سنت و قدرت هستند که باور قلبی‌شان همان ضعیفه بودن و حتی ناقص‌العقلی آن‌هاست. عوامل متعددی مانند خلأ عاطفی، اختلالات خانوادگی و طلاق در به وجود آمدن پدیده تنهایی در زنان مؤثر است. «عوامل متعددی پدیده تنهایی را در زنان پدید می‌آورد که چنانچه حمایت عاطفی برای زنان در بر نداشته باشد، بی‌تردید موجب افسردگی و انزوای خواهد شد تنهایی معلول عوامل مختلفی از قبیل اجتماعی و عاطفی است.» (محمدرضایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳)

یکی از دغدغه‌های تجار نشان دادن تنهایی زنان است که این تنهایی معلول بی‌توجهی و بی‌مهری همسرانشان است. هر یک از زن‌های داستان‌های تجار بار سنگینی را بر دوش می‌کشند و بیشتر آن‌ها خود را فدای خانواده می‌کنند. زن در داستان‌های تجار چه در مقام مادر یا همسر، انسانی عاشق است که عشق او رهنمون معنایی و رفتاری اوست. به‌عنوان مثال در "هفت‌بند" دقیقاً با زنی عاشق مواجه هستیم که تمامی دلایلش برای بودن و زیستن همسرش است. تجار با بیان تنهایی زن سعی در شناساندن روحیات زنان دارد و دنیای آنان را آن‌گونه که هست به نمایش می‌گذارد. تجار روانشناس قابلی است او روح و روان شخصیت زن را می‌کاود و نشان می‌دهد چقدر بی‌توجهی و ندیده شدن برای یک زن دشوار است. او در داستان کوتاه "آرام شب بخیر" اوج تنهایی یک زن را نشان می‌دهد، زنی که همسرش حتی حرف‌های او را نمی‌شنود، زن دو بار می‌گوید مردم است و مرد نمی‌شنود: «زن که بی‌حوصله شده بود بلند شد... با خلخال‌هایش دور اتاق

چرخید؛ یک بار، دو بار، چند بار و سعی کرد به یاد آورد پیش از این‌ها وقتی با خلخال‌هایش گرد رختخواب مرد می‌چرخید، چگونه نگاهش می‌کرد از میان چشم‌های نیمه‌باز...» (تجار، ۱۳۸۸ الف: ۸۸)

در داستان "پاورچین تا عشق" ماهک به یاد تنهایی و غم و غصه مادرش می‌افتد که چطور همیشه گریه می‌کرد مادری که خیانت شوهر را می‌دید و روز به روز در تنهایی و سکوت خویش فرومی‌رفت (تجار، ۱۳۸۸ ب: ۲۰۳) تجار در داستان "گلریزان" از مجموعه "زن شیشه‌ای" به آلام و دردهای زنان اشاره می‌کند. در این داستان شوهر عزیز خانم مرده و پسرش معتاد شده است او با مادرشوهر پیر و دختر جوانش زندگی می‌کند و از تنهایی و درد به مطبخ خانه خود پناه می‌برد و در لاک تنهایی خویش فرو می‌رود: «عزیز خانم به بهانه پخت غذا، به جان‌پناه خود آمده بود. مطبخ... در اینجا می‌شد فکر کرد و غصه خورد و اشک ریخت.» (تجار، ۱۳۹۳ الف: ۲۰)

در داستان "آن سوی دیوار شب" از کتاب "سفر به ریشه‌ها" مرد هیچ توجهی به زن ندارد و زن احساس سردی می‌کند و هرچه تلاش می‌کند نمی‌تواند با مرد ارتباط برقرار کند: «...اگر همان‌طور که به گل‌های توی بشقاب خیره مانده یا به خرده‌های نان، مرا هم نگاه می‌کرد، دیگر این‌طور سردم نمی‌شد... زن برگشت به اتاق، گوش‌به‌زنگ بود تا که مرد کلامی بگوید؛ اما دیوار یخی سرفراز بود.» (تجار، ۱۳۹۳ ب: ۲۷)

پ.۲) سکوت و سازگاری

نویسندگان زن در داستان‌هایشان در کنار شرح مشکلات موجود در زندگی زنان به نوع نگرش و برخوردشان با این مسائل نیز اشاره می‌کنند. در داستان‌های تجار، زنان به جای این که در برابر ظلم مردان ایستادگی کنند فقط ناله و نفرین می‌کنند و اشک می‌ریزند. این زنان قدرت تغییر ندارند و به جای حل مشکلات با درماندگی و عجز ناله می‌کنند. در واقع زنان با سکوت کردن در مقابل شوهران خود عواطفشان را سرکوب می‌کنند و برخوردی کاملاً منفعلانه دارند. در داستان "پاورچین تا عشق" دخترک سکوت و اشک مادر در برابر بی‌وفایی پدر را می‌بیند: «آن وقت‌ها زیریرکی به مادر نگاه می‌کرد که از پس مژه‌های بلندی که روی

صورت مهتابی‌اش سایه انداخته بود اشک‌ها می‌آمدند. گوشه‌های لبش می‌لرزید بغض می‌کرد و می‌گفت: - برای بابا گریه می‌کنی؟ - الهی خبر مرگش را بیاورند الهی به روز سیاه بنشیند الهی...» (تجار، ۱۳۸۸ ب: ۲۰۵) این سکوت مادر بعدها به فرزند نیز می‌رسد: «بعدها که بزرگ‌تر شد او هم مثل مادر سکوت می‌کرد چرا مادر در سی‌وپنج‌سالگی پر کشید. سکنه بهانه بود او از دست پدر دق کرد و مرد.» (تجار، ۱۳۸۸ ب: ۲۰۶) در داستان "آن سوی دیوار شب" زن می‌خواهد به همسرش بگوید از زندگی خسته شده و باید خانه را ترک کند ولی یاد حرف‌های مادرش می‌افتد که زن باید کوتاه بیاید و نیم‌من باشد: «ننه سازش داشته باش! نیم‌من باش سنگ زیرین آسیاب!» (تجار، ۱۳۹۳ ب: ۳۱)

پ.۳) شکست عشقی

شکست عشقی یکی از مسائل مهم عاطفی است که زنان را درگیر خود کرده و دچار افسردگی و یأس می‌کند. عشق رایج‌ترین موضوع در داستان‌های زنانه است. در تمام این داستان‌ها عشق به جنس مخالف از نگاه زن داستان باید به ازدواج منتهی شود؛ اما مردان همیشه این‌گونه به عشق نگاه نمی‌کنند؛ و زنان اکثراً در این برخورد دچار سرخوردگی و ناامیدی و بحران عاطفی می‌شوند. "تیفوس عشق" عنوان داستانی است که تجار در آن از دختری سخن می‌گوید که عاشق مردی شده و اکنون عروسی اوست ولی با دختری دیگر! بعد از این ماجرا ذهن دختر جولانگاه تداعی خاطره‌هاست، خاطره او با مردی که برایش دو شانه به رنگ آبی خریده است. دخترک تحمل این درد را ندارد و بعد از دیدن عروسی معشوق به آرایشگاه رفته و موهایش را کوتاه می‌کند. چراکه می‌خواهد با این کار خاطرات خود را فراموش کند: «می‌خواهی کوتاهش کنی؟ - سر تکان می‌دهم - چقدر؟ آب دهانم را قورت می‌دهم - کوتاه کوتاه خیره نگاهم می‌کند و بعد به آن‌ها دستی می‌کشد. مکثی می‌کند. قیچی را برمی‌دارد دوتیغه آن را به هم می‌زند. موهایم آرام بر روی زمین می‌ریزند.» (تجار، ۱۳۸۸ الف: ۷۲)

پ.۴) درماندگی و قبول سرنوشت

اکثر زنان داستان‌های *تجار* در برابر سرنوشت عاجز هستند و توانایی تغییر زندگی خود را ندارند. مثلاً زن‌های داستان "*گلریزان*" شخصیتی کاملاً ایستا دارند هر تصمیمی که مردان برایشان بگیرند را قبول می‌کنند چه بی‌بی در برابر فروش خانه، چه عزیز خانم در برابر ازدواج با برادرشوهرش، چه مرجان در برابر ازدواج با اوس رجب و چه احترام در برابر هوو آوردن شوهرش! آنان هیچ اختیاری از خود ندارند و هر اتفاقی که افتاد را منفعلانه و به‌ناچار قبول می‌کنند. در این داستان اعتراض فقط سکوت است و سکوت. بعد از مرگ بی‌بی، آن‌ها خانه را تخلیه می‌کنند و جالب است نویسنده عزیزخانم و مرجان را داخل بارها و پشت کامیون به تصویر کشیده است و حتی پسر معتاد عزیز خانم با دیدن خواهر و مادرش پشت کامیون و بین اثاث می‌گوید: فروشی است، فروشی و این نشان می‌دهد که زنان از حقوق ساده انسانی خود نیز برخوردار نیستند و حتی از طرف عزیزان خود جدی گرفته نمی‌شوند: «مرجان و عزیز خانم، سیاه‌پوش و درمانده، ایستاده و به ته کوچه نگاه می‌کردند. بر در چوبی آبی‌رنگ خانه قفل بزرگ برنجی قفل مرگ زده بود ... در پیاده‌روی خیابان، محسن، پوستین به دوش، ژولیده و غبارآلوده روی زمین ولو شده بود و در کنار قفس کبوترهایش. به هنگام عبور کامیون، یکدم سر بلند کرد و با صدای پر از مضحکه و پوچی داد زد: فروشی‌اند، فروشی» (تجار، ۱۳۹۳/الف: ۳۸)

پ.۵) جنون و افسردگی

یکی از مسائل و مصائب عاطفی که بیشتر زنان نویسنده به آن پرداخته‌اند افسردگی و جنون زنان است؛ «زن نویسنده سعی می‌کند که بیماری، روان‌پریشی، بی‌حوصلگی، انزواطلبی و نیز رکود روانی خود را در اثرش به تصویر درآورد.» (شوالتر، ۱۹۸۱: ۱۹۵) *تجار* نیز در داستان‌هایش دنیای زنانی را توصیف می‌کند که از فرط رنج و فشار به جنون و انفجار رسیده‌اند در رمان "*کوچه افاقیا*" زن میرزا به جنون رسیده و او را در اتفاقی به زنجیر کشیده‌اند: «حلقه زنجیری که بر میج پای دلمه بسته‌اش فرورفته بود تنها می‌توانست او را به گرد گردابی که شعاعی محدود

داشت، بچرخاند.» (تجار، ۱۳۸۸ ج: ۱۰) برخی از این داستان‌ها تک‌گویی زنانی است که ذهنشان جولانگاه تداوی خاطره‌ها و کابوس‌هاست. زن‌های داستان‌های او ایثار می‌کنند و خواسته‌های خود را زیر پا می‌نهند. در داستان کوتاه "از آسمانی دیگر" از مجموعه داستان "آرام شب بخیر" راوی داستان زنی است که به مرز جنون رسیده است: «در آخرین ایستگاه شهرک خاکستری ایستاد، باران سیل‌آسا بارید و ناچار شد مسافت باقی‌مانده را خمیده بدود، شاید که کیسه شکر، از خیس شدن نجات پیدا کند. فقط یک‌بار سر بلند کرد و در چشمان روشن پنجره‌ها که چون چشم پلنگ می‌درخشیدند، خیره شد. همین نگاه کافی بود تا شیخ مردانی را که با لباس‌هایی شبیه لباس آدم فضایی، بشقاب‌های بزرگی بر شانه حمل کرده از این بلوک به آن یکی پرواز می‌کردند، ببیند. از دیدنشان سخت به خود لرزید و پلک‌ها را به هم زد باز هم دچار وهم و خیال شده بود؟» (تجار، ۱۳۸۸ الف: ۲۷)

پ.۶) حسادت

حسادت مضمونی است که در آثار اکثر نویسندگان زن به چشم می‌خورد ازدواج مجدد همسر و حضور زنی دیگر، کاهش محبوبیت نزد همسر و... مسائلی است که در اکثر قصه‌های زنان عامل حسادت معرفی شده است. به‌عنوان مثال در کتاب "کوچه افاقیا" ماه‌منظر از دختر هویش دل‌نواز می‌پرسد: «گفتی مامانت از من خوشگل‌تر است؟» (تجار، ۱۳۸۸ ج: ۱۱۵) و یا حتی لباس‌های هویش را از کمد درآورده و بر تن می‌کند: «به کمک دندان‌ها شکافی در پایین دامن ایجاد کرده، به ضربه‌ای دو نیمش کرده بود و باز تکه‌ای دیگر ... و تکه‌پاره‌ها را پشت صندوق رویه مخمل ریخته بود.» (همان: ۶۵) و این حسادت را حتی در مورد دختر هویش که کودکی هفت‌ساله است نیز نشان می‌دهد و لباس سفید دخترک را به تشت لباس‌های رنگی می‌اندازد تا رنگ بگیرد: «آن را در تشت پر از لاجورد انداخت. هما رخت‌شوی با چشم‌های گرد شده متعجب نگاهش کرد - ای وای خانم‌جان، داری چکار می‌کنی؟ رنگ می‌دود توی لباس و خرابش می‌کند ... - من هم همین را می‌خواهم.» (همان: ۱۰۴) درجای دیگر از همین رمان زنی به نام صنم‌بانو که دخترزا است متوجه می‌شود که شوهرش زنی به نام نیم‌تاج را صیغه کرده است بنابراین به طرف خانه زن می‌رود و می‌گوید: «پس نیم‌تاج محلاتی تو هستی؟! ...

زن یک‌باره از اتاق بیرون دوید. صنم بانو سر به دنبال او گذاشت. -وایسا ببینم زنی که پدر سوخته ... نیم‌تاج از راه‌پله‌های گوشه حیاط خود را به بام رساند... و از روی بام پرید ...» (همان: ۲۱۵)

پ.۷) نازایی و دخترزایی

از دیگر مشکلاتی که در آثار راضیه تجار به چشم می‌خورد نازایی و حتی دخترزایی است. نازایی موضوعی است که بعضی از شخصیت‌های زن داستان‌های تجار درگیر آن هستند. جالب‌توجه است که زنان خود نیز اعتقاد داشتند که اگر بچه‌دار نشوند باید خود فکری برای شوهرانشان بکنند. به‌عنوان مثال در رمان "کوچه افاقیا" زبیده کلفت خانه میرزا، زنی نازا است، زبیده خودش به خواستگاری دختری چهارده ساله برای شوهر پنجاه ساله‌اش می‌رود: «نمی‌دانی که اجاقم کور است؟... -آدم چراغ بخرم، بلکه خانم روشن شود. دست نیازم را رد نکن.» (تجار، ۱۳۸۸ ج: ۱۴۷)

در داستان "باغ اما ویران" از مجموعه "پاورچین تا عشق" زنی که باردار نمی‌شود دچار یأس و افسردگی شدید شده و رابطه‌اش با همسر خود به شدت سرد شده و در تنهایی خویش خزیده است و با قرص‌های اعصاب در سکوت خویش زندگی می‌کند. از سفر و کتاب و هر چه به آن دل‌بستگی دارد دل بریده است: «برمی‌گردم، می‌بینمت که سرد و پریده‌رنگ، بر بستر افتاده‌ای با دست‌هایی لرزان بلندت می‌کنم و به‌طرف ماشین می‌دوم. در طول راه فکر می‌کنم چند قرص... چند قرص؟!» (تجار، ۱۳۸۸ ج: ۲۶)

دخترزایی هم برای یک زن عیب محسوب می‌شده و به شوهر حق می‌داده که دوباره ازدواج کند. در داستان "کوچه افاقیا" عمه به احمد علی‌خان می‌گوید: «زنی که عرضه نداشته باشد مردش را صاحب اولاد پسر کند برای لای جرز خوب است. هنوز هم دیر نشده. این زن را صیغه کن والسلام ...» (تجار، ج ۱۳۸۸: ۱۹۱) وقتی که ماه‌منظر حامله است همه انتظار دارند که کودک پسر باشد حتی خود او: «دستی بر شکمش کشید پس کی به دنیا می‌آیی پسر میرزا ابوتراب؟» (همان: ۱۵۸)

ت) بازتاب مشکلات اجتماعی در آثار راضیه تجار

علاوه بر مسائل و مشکلات عاطفی که ذکر گردید مشکلات اجتماعی زیادی نیز به در آثار نویسندگان زن مشاهده می‌شود. «اکثر جوامع کنونی با مشکلات و معضلات متعدد اجتماعی دست‌به‌گریبان‌اند که حیات جوامع بشری را با تهدید مواجه می‌کند.» (محبی، ۱۳۸۰، ۷) «به‌طور معمول مشکلات اجتماعی را وضعیت‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که برای جامعه آسیب زنده‌اند. درباره تعاریف و طبقه بندی مشکلات اجتماعی در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان توافق وجود ندارد. صرف‌نظر از تفاوت دیدگاه‌ها در تعاریف و نام‌گذاری مسائل اجتماعی، فصل مشترک همه این مسائل در آن است که همه آن‌ها پدیده‌های نامطلوبی بوده و افکار عمومی جامعه و نخبگان را به خود مشغول داشته است.» (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱) در این میان برخی از افراد و گروه‌های اجتماعی بیش از سایر گروه‌ها و افراد در معرض پیامدها و آثار سوء مشکلات اجتماعی بوده که زنان از جمله این گروه‌ها می‌باشند. نویسندگان از جمله افرادی هستند که در قالب داستان به این مشکلات اشاره کرده‌اند به‌طوری‌که در این میان زنان نویسنده از جمله تجار مشکلات اجتماعی زنان را در داستان‌های خود مورد توجه قرار داده است.

از جمله مشکلات اجتماعی‌ای که تجار در داستان‌های خود به آن‌ها اشاره کرده است می‌توان به فقر و محرومیت، بحران هویت و هویت‌طلبی زنان، جهل و خرافه‌پرستی، مردسالاری، خشونت علیه زنان، محدودیت‌های ازدواج و ازدواج اجباری اشاره کرد که در زیر در مورد آن‌ها توضیح داده شده است.

ت.۱) فقر و محرومیت

از جمله مسائل اجتماعی که نویسندگان زن از جمله تجار در داستان‌هایشان به آن اشاره کرده‌اند و اغلب از نگاه شخصیت‌های زن داستان‌ها به آن پرداخته‌اند موضوع فقر و محرومیت است. سعی این نویسندگان بر آن است تا از زنانی که گرفتار فقر و پریشانی هستند، سخن بگویند و این اعتراضی باشد بر آنچه بر سر آن‌ها می‌رود.

تجار در داستان "خرگوش کوچولو" از مجموعه "پاورچین تا عشق" از زنی سخن می‌گوید که به خاطر فقر و بدبختی مجبور است در خانه‌های مردم کار کند. شوهر زن بی‌کار و معتاد است و همیشه در خانه می‌خوابد و تمام فشار زندگی بر عهده زن است. در نهایت زن طاقت نمی‌آورد و بچه‌اش را به صاحب یکی از همان خانه‌هایی که در آن کار می‌کند می‌فروشد: «خانم گفت فکرهایت را کردی؟ زن بدون مکشی گفت بله -پس آن نامه را امضا کن. زن جلو رفت و نامه‌ای را که روی پاتختی بود برداشت. خودنویسی طلایی بر پایه‌ای بلورین می‌درخشید؛ پایه‌ای که روی آن چکی بود با صفرهای بسیار.» (تجار، ۱۳۸۱ ب: ۷۷) در مجموعه "زن شیشه‌ای" عزیزخانم زنی است که پسرش معتاد شده و دائماً از او پول می‌خواهد. او که شوهرش را ازدست‌داده و منبع درآمدی جز اجاره اتاقک خانه‌شان و کمک‌های برادرشوهرش ندارد مجبور می‌شود وسایل خانه را بفروشد و یا از بانک پول بگیرد و به پسرش بدهد: «عزیز پول می‌خواهم. از کدام گور بیاورم پسر؟! خیال می‌کنی سر گنج نشستم؟! محسن سینی غذا را برداشته و از پنجره پرت کرده بود تو باغچه -این حرف‌ها سرم نمی‌شود. پول می‌خواهم؛ پول...» (تجار، ۱۳۹۳/الف: ۲۱)

ت. ۲) بحران هویت و هویت طلبی زنانه

شخصیت‌های زن داستان‌های تجار هویت مشابهی دارند اکثر قهرمانان و راویان داستان‌ها زن هستند و مخاطب از زاویه دید یک زن به ماجرا نگاه می‌کند و نوعی نگاه زنانه بر داستان غالب است در این داستان‌ها اکثر زنان رنج‌کشیده هستند و همیشه نگاه مردسالارانه بر زندگی‌شان حاکم است. اکثر زنان داستان‌های تجار خانه‌داری را به نحو احسن انجام می‌دهند. تنها زنی که در مقابل ازدواج اجباری و خواست پدر می‌ایستد ماهک در داستان "پاورچین تا عشق" است. او دیپلم گرفته و به خواسته پدر ادامه تحصیل نداده است، می‌خواهد درس بخواند و همسر آینده‌اش را خودش انتخاب کند و به دلایل مرگ مادر و اخلاق پدر می‌اندیشد، او با این که از دست پدر چندین بار شلاق خورده است ولی باز تن به ازدواج با شخصی که پدرش در نظر گرفته نمی‌دهد: «نمی‌خواهم ازدواج کنم ... بکشند هم زن فرمان نمی‌شوم.» (تجار، ۱۳۸۱ ب: ۱۵۷) او به شاگرد مغازه پدرش،

یوسف، عشق می‌ورزد، تمام تلاش خود را برای رسیدن به یوسف به کار می‌گیرد و علی‌رغم کتک‌ها و مخالفت‌های شدید پدر موفق می‌شود که رضایت او را جلب کند و این هویت‌طلبی و آگاهی با درد و رنج همراه است.

ت. ۳) جهل و خرافه‌پرستی

یکی دیگر از مضامین مهم مطرح‌شده در داستان‌های *راضیه تجار* و *در پیوند با زنان، جهل و خرافه‌پرستی* است. این زنان بنا به دلایلی مانند فقر علمی و فرهنگی و عموماً در چند دهه قبل از انقلاب اسلامی به اعتقادات خرافی روی آورده‌اند. شخصیت‌های زن این داستان‌ها وقتی در زندگی با مشکلی برخورد می‌کنند به‌جای پیدا کردن راه‌حل به خرافه‌پرستی روی می‌آورند. از جمله مصادیق جهل و خرافه‌پرستی می‌توان به وجود جن و ازما بهتران، چشم زدن، خوراندن آب‌طلا و ... اشاره کرد: «بی‌اختیار به پاهای مرد نگاه کرد وقتی که بچه بود، دایه همیشه او را از موجوداتی می‌ترساند که از جنس آتش بودند و سم داشتند و برای دور کردنشان گفتن "بسم‌الله" واجب بود.» (تجار، ۱۳۸۸/الف: ۲۹)

«اما بترکد چشم حسود که کارگر افتاد. سر سال نشده، بعد از آنکه دل‌نواز به دنیا آمد، عروسش آلوده شد. هیچ دوا و درمانی افاقه نکرد و میرزا ناچار شد حیاط کوچک را خالی کند و او را در آنجا به زنجیر بکشد.» (تجار، ۱۳۸۸/ج: ۱۲)

«هما رخت‌شوی دوید و کاسه آبی آورد و دو انگوی طلایی را که در میج دست داشت با تقلای بسیار درآورد و درون آن انداخت سیبا بده بخوره حتماً ترسیده.» (تجار، ۱۳۸۸/ج: ۲۱۴)

اعتقاد به محتوم بودن سرنوشت نیز یکی از این باورهای اشتباه است. در رمان *"کوچه افاقیا"* صنم‌بانو از تقدیر و سرنوشت دختر خود ناله کرده و بیماری روانی دخترش را *"پیشانی‌نوشت"* می‌داند (همان، ۴۳).

ت. ۴) مردسالاری و تعامل زنان با جهان مردانه

یکی از مسائل مهمی که گریبان‌گیر زنان است نظام مردسالاری است. فرودستی زنان از مهم‌ترین مؤلفه‌های فمینیستی در آثار داستانی *تجار* است. در نظام مردسالار وجود زن در مرتبه‌ای بسیار فروتر از مردان قرار می‌گیرد به‌گونه‌ای

که یک انسان درجه دو و تا حدودی فاقد ارزش محسوب می‌شود. در چنین نظامی زن در برابر مرد تمام قابلیت‌ها و ارزش‌های خود را از دست می‌دهد و دچار درد و عذاب می‌شود «به‌طورکلی هویت زن یا تابع هویت پدر است و یا زیرمجموعه‌ای از هویت همسر. نام خانوادگی زن پس از ازدواج به فراموشی سپرده می‌شود و او را با نام خانوادگی همسر و حتی در مواردی با نام و نام خانوادگی «همسر صدا می‌زنند. من زن در برابر اقتدار و حاکمیت بلامنازع مرد، کم‌رنگ و محو و بی‌روح می‌شود و تمامی قابلیت‌ها و ارزش‌های خود را از دست می‌دهد توگویی بدون وجود مرد، وجود زن معنایی ندارد.» (حسین‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹)

بسیاری از زنان نویسنده از جمله تجار با انتخاب شخصیت و قهرمان زن تلاش کرده‌اند با اشاراتی پنهانی و ضمنی، نگاه منتقدانه‌شان را متوجه مسئله مردسالاری می‌کنند و نارضایتی خودشان را از جامعه مردسالار با خلق شخصیت‌های زنانه که در برابر این نظام واکنش نشان می‌دهند، به تصویر بکشند. به‌عنوان مثال در داستان "کوچه افاقیا" زمانی که صنم‌بانو می‌بیند دخترش به بیماری روانی دچار شده و دامادش با یک زن جوان ازدواج کرده به یاد سرنوشت خود افتاده و می‌گوید: «کو آن گلی که شوهرم به سرم زده؟» (تجار، ۱۳۸۱ ج: ۸۶) تجار با نگاهی روان‌شناسانه از ماجرای صنم‌بانو و دخترش سخن می‌گوید و نگاه مردسالارانه جامعه را نقد می‌کند.

ت. ۵) خشونت علیه زنان

«خشونت، رفتاری عمدی است که هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگران باشد. گروهی از صاحب‌نظران دلیل این رفتار را ذاتی و فطری و گروهی آن را اکتسابی می‌دانند. خشونت علیه زنان در تمامی کشورهای جهان وجود دارد و مرزهای فرهنگ، طبقه اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات، قومیت و سن را در خود دیده است. گرچه در بسیاری از کشورهای جهان خشونت علیه زنان منع گردیده و افراد از ارتکاب به آن منع می‌شوند ولی واقعیت آن است که خشونت علیه زنان در پس آداب فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات پناه می‌گیرد و پنهان می‌شود.» (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۶) زنان نویسنده در آثار خود بارها و بارها به نظام مردسالاری و خشونت مردان اعم از کتک زدن، تحقیر کردن و ... اشاره کرده

اند و از دید یک زن به این مسئله پرداخته‌اند. تجار زنانی را توصیف می‌کند که زیر فشار و زورگویی مردان هستند و از خود قدرتی ندارند: «مرد عبوس و عصبی بود و داشت آخرین پیک را به ته سیگار می‌زد... آخرین فریادش را همین چند لحظه پیش زده بود. -خسته‌ام کردی خسته. دیگر به گلویم رسیده، اینجا! می‌فهمی...» (تجار، ۱۳۹۳: ب: ۱۲) تجار در داستان «کوچه افاقیا» از زنی سخن می‌گوید که باردار نمی‌شود و شوهرش او را به قصد کشت می‌زند. وی در این داستان با اشاره به باردار نشدن زن و نگاه مردسالارانه حاکم بر جامعه سنتی از خشونت‌هایی که علیه زنان وجود دارد نقد می‌کند: «مدتی بود که زبیده باروبندیل خود را بسته بود و رفته بود این بعد از غروب دلگیری بود که مشهدی اسدالله او را به قصد کشت کتک زده بود.» (تجار، ۱۳۸۸: ج: ۱۰۹)

ت. ۶. مشکلات و محدودیت‌های ازدواج

یکی از ارزش‌های اجتماعی مهم جامعه، ازدواج است. براساس ماده شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر زن و مرد بالغی حق دارد، بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند.» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۶: ۱۵۷) باوجود تمامی این قوانین، باز هم دختران به دلیل سیطره سنت‌های غلط، به ازدواج‌های ناخواسته تن می‌دهند این مسئله می‌تواند معلول پدرسالاری موجود در خانواده و نوع نگرش جامعه نسبت به زن باشد (عظیمی و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۱۲۳)

اکثر زنان داستان‌های تجار را زنان مستأصل و منفعل تشکیل می‌دهند. این زنان به خواست پدر و خانواده تن به ازدواج می‌دهند و پدران به خود حق می‌دهند که برای فرزندشان هر تصمیمی بگیرند. به‌عنوان مثال وقتی صباح پدر ماهک می‌خواهد از او جواب بله بگیرد و ماهک مخالفت می‌کند با کمر بند به جان دخترک می‌افتد: «صبحا کمر بند را کشید و بر پشت او فرود آورد... ضربه دوم را فرود آورد و سوم را. دختر مثل ماهی پیچ‌وتاب خورد.» (تجار، ۱۳۸۸: ب: ۱۵۶) زنان این داستان‌ها هم به‌جای مخالفت کردن با این مسئله کنار می‌آیند و سعی می‌کنند دختران جوان را قانع کنند و هر کاری که پیش آمد را به قسمت حواله می‌کنند

«دختر بخت و اقبال از مادر به ارث می‌برد اگر قسمتت این باشد که زن فرمان شوی زمین برود آسمان و آسمان زمین همین می‌شود.» (همان: ۲۰۰)

تجار در مجموعه "زن شیشه‌ای" و داستان "گلریزان" از دختر جوانی به نام مرجان می‌نویسد که پدرش فوت کرده و برادرش معتاد شده است. اوس رجب که مردی میان‌سال و پولدار است می‌خواهد با او ازدواج کند و اما او به پسری به نام یحیی که در خانه آن‌ها اتاقکی اجاره کرده علاقه دارد: «هیچ وقت فکر نکرده بود اگر این خانه فروش رود، اگر باغچه و حوض و دیوارهایش روی هم کوبیده شود، دیگر گل‌های کوچک و معطر یخ را نخواهد دید و یحیی را هم که گلریزان آغاز شده بود.» (تجار، ۱۳۹۳/ الف: ۲۷)

نتیجه‌گیری

نویسندگان زن از طریق نوشتن، دردهای خاموش خود و هم‌نوعان خود را بیان می‌کنند. راضیه تجار نیز نویسنده‌ای است که با بهره‌مندی از دانش روان‌شناسی توانسته است چهره دیگری از زنان به نمایش بگذارد. وی در داستان‌های خود به مشکلات عاطفی و اجتماعی زنان پرداخته است. بررسی داستان‌های راضیه تجار نشان می‌دهد که بیشتر شخصیت‌های اصلی داستان‌های تجار زنان هستند به طوری که وی در آثار داستانی خود با بیان تجربه‌های زنانه به مشکلات و دغدغه‌هایی که زنان را درگیر خود کرده پرداخته است. تصویر زنانی که نویسنده در داستان‌هایش ترسیم کرده زنانی است منفعل که در کنش‌های داستان نقش فعالی ندارند و تسلیم خواست و تصمیمات مردان و جامعه مردسالار هستند. این زنان به شکل انفعالی در گستره داستان‌های تجار سکوت می‌کنند و شخصیت ایستایی دارند و از ابتدا تا پایان داستان تغییری نمی‌کنند این نسل از زنان نماینده نسلی هستند که خود را فراموش کرده‌اند و برای خود شخصیت مستقلی قائل نیستند و در برابر مردان پیرامون خود سازش می‌کنند. موضوع اکثر داستان‌های تجار تأثیر کم‌رنگ زنان بر سرنوشت خویش را نشان می‌دهد. زنان داستان‌های او برای بیرون آمدن از شرایط خود تلاشی نمی‌کنند. زنانی که نه راه بیرون آمدن از دشواری‌ها را می‌دانند و نه توان قدم گذاشتن در راه جدید را دارند. آنان گرفتارانی هستند پیچیده در شرایط و آنچه تقدیر و زمانه و دیگران برایشان

رقم‌زده‌اند قبول دارند. این نویسنده، زندگی به رنگ خاکستری و پر از مشکل را که می‌بیند، همان را به تصویر می‌کشد و داستان را در همان فضا تمام می‌کند؛ بنابراین این زنان تحت سیطره جامعه مردسالار با مشکلات و مسائل عاطفی و اجتماعی و فرهنگی بسیاری مانند تنهایی، سکوت و سازگاری، شکست عشقی، درماندگی و قبول سرنوشت، حسادت، نازایی و دخترزایی، فقر و محرومیت، مردسالاری، تعامل بیش‌ازاندازه زنان با دنیای مردان، مسائل مربوط به ازدواج زنان، خشونت علیه زنان، جهل و خرافه‌پرستی و بحران هویت دست‌به‌گریبان هستند.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. برسler، چارلز، (۱۳۸۹) *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه مصطفی عابدینی فرد. تهران: نیلوفر
۲. بیسیلی، کریس، (۱۳۸۵) *چیستی فمینیسم*، ترجمه محمدرضا زمردی. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۳. *تجار، راضیه*. (۱۳۸۸ الف) *آرام شب بخیر*. چاپ دوم. تهران: سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)
۴. _____ (۱۳۸۸ ب) *پاورچین تا عشق (و چند داستان دیگر)* چاپ اول. تهران: انجمن قلم ایران.
۵. _____ (۱۳۸۸ ج) *کوچه اقاها*. تهران: انجمن قلم ایران.
۶. _____ (۱۳۹۳ الف) *زن شیشه‌ای*. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
۷. _____ (۱۳۹۳ ب) *سفر به ریشه‌ها*. تهران: سوره مهر.
۸. حسین زاده، آذین. (۱۳۸۱) *زن آرمانی، زن فتنه*. چاپ چهارم. تهران: قطره.
۹. رضوانی، محسن، (۱۳۸۴) *پایان جنسیت*. چاپ اول. تهران: باشگاه اندیشه.
۱۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶) *نقد ادبی*. چاپ دوم. تهران: مرکز.
۱۱. عبدلهی، محمد. (۱۳۸۳) *طرح مسئله اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها، در مسائل اجتماعی ایران*، تهران: آگه.
۱۲. قائم مقامی، فرهت. (۱۳۵۶). *آزادی یا اسارت زن*. چاپ پنجم. تهران: جاویدان.

ب) مقاله‌ها

۱۳. اکرمی، میرجلیل و باشایی، محمد. (۱۳۹۲) *تأملی در پی‌رنگ و شخصیت‌پردازی تهران مخوف*. نشریه فنون ادبی (دانشگاه اصفهان) پاییز ۱۳۹۲. دوره ۵. شماره ۲ (پیاپی ۹) ۲۰-۱.
۱۴. جمالی، شهروز و سجادی، سیده رؤیا. (۱۳۹۴) *بررسی جایگاه زن در آثار سیمین دانشور، فرشته مولوی و راضیه تجار*، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. پاییز ۱۳۹۴. دوره ۷. شماره ۲۴. ۵۰-۳۱.
۱۵. حری، ابوالفضل. (۱۳۷۷) *سفر به ریشه‌ها، نقد آثار داستانی راضیه تجار*، مجله ادبیات داستانی کرمانشاه. بهار ۱۳۷۷. شماره ۴۶. ۱۱۳-۱۰۵.
۱۶. درویش زاده، فوزیه. (۱۳۹۵) *نقد و بررسی کنیز و اثر منیرو روانی‌پور*، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی. سال سوم. شماره ۱۱. ۱۸۰-۱۶۷.
۱۷. دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۳) *نرگس‌ها و داستان‌های دیگر*. مجله کیهان فرهنگی. فروردین ۱۳۷۳. شماره ۱۰۸. ۳۸-۳۴.
۱۸. زرلکی، شهلا. (۱۳۸۴) *نفرین و آفرین زن در آینه داستان کوتاه با نگاهی به سه مجموعه داستان بگذریم*، کتاب *هول و عاشقیت در پاورقی*، ماهنامه نافه. فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴. دوره ۵، شماره ۲۴ (پیاپی ۶۰)

۱۹. عباس‌زاده، خداویردی و طاهرلو، هانیه. (۱۳۹۰) *سیمای زن در آثار سیمین دانشور*. فصل‌نامه علمی-پژوهشی بهارستان سخن. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. دوره ۷. شماره ۱۸. ۵۰-۳۱.
۲۰. عرب یوسف‌آبادی، فائزه و کلبعلی، شهلا. (۱۳۹۷) *بررسی سبک زنانه در رمان کوچه اقاچیا (نوشته راضیه تجار)* فصل‌نامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ. دوره ۱۰. شماره ۳۵. ۷۴-۶۱.
۲۱. عظیمی، زهرا و مرتضوی، جمال‌الدین. (۱۳۹۴) *بررسی دغدغه‌ها و مشکلات زنان در آثار «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» و «عادت می‌کنیم»* زویا پیرزاد، فصل‌نامه مطالعات نقد ادبی. تابستان ۱۳۹۴. دوره ۱۰. شماره ۳۹. ۱۳۷-۱۱۳.
۲۲. قاسم‌زاده، سیدعلی و کریمی افشار، سعیده. (۱۳۹۲) *هویت زنانه در عناوین رمان‌های نویسندگان زن پس از انقلاب اسلامی*، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی. پاییز ۱۳۹۲. دوره ۲. شماره ۱ (پیاپی ۵) ۹۷-۱۱۳.
۲۳. محبی، سیده فاطمه. (۱۳۸۰) *آسیب‌شناسی اجتماعی زنان (خشونت علیه زنان)*، مجله مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان) زمستان ۱۳۸۰. دوره ۵. شماره ۱۴. ۱۹-۶.
۲۴. محمدرضایی، علی؛ صفایی، مریم و هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۲) *ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس تنهایی دانشجویان*، مجله روان‌شناسی بالینی. پاییز ۱۳۹۲. سال ۵. شماره ۳. پیاپی ۱۹. ۸۱-۹۱.
۲۵. محمودی، مریم، حیدری، نگار. (۱۳۹۷) *تحلیل جایگاه زن در رمان‌های غزاله علیزاده*. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال نهم. شماره ۳۵. ۴۷-۳۵.
۲۶. ولی مراد، فرشته. (۱۳۸۳) *راضیه تجار و نگاهی به کوچه اقاچیا* او، ماهنامه ادبیات داستانی. شماره ۸۶. ۷۱-۶۹.

ج) منابع لاتین

- Showalter, E. (۱۹۹۷) *Towards a feminist poetics*, edited by Ken Newton, In *Twentieth-century literary theory*, London, Macmillan Education
WHO ۱۹۹۶(. *Violence against women*, FRH / WHD/۹۷.